

خبر

بازداشت مروج کودک‌همسری برای تبلیغ آرایشگاه زنانه در اینستاگرام

ایستنا: رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از بازداشت زنی که برای تبلیغات سالن زیبایی اش اقدام به سوءاستفاده از یک دختربچه و معرفی او به‌عنوان یک نوعوس کرده بود، خبر داد و به خانواده‌ها هشدار داد اجازه چنین برخورد‌های سودجویانه‌ای را که ممکن است آینده فرزندان‌شان را تحت‌الشعاع قرار دهد، ندهند. سرهنگ داود معظمی‌گودرزی با اشاره به انتشار ویدئویی از یک دختربچه در فضای مجازی و معرفی او به‌عنوان یک تازه‌عروس گفت: انتشار این ویدئو موجی از واکنش‌های منفی افکار عمومی و به‌ویژه کاربران فضای مجازی و فعالان حوزه حقوق کودک را در پی داشت. در همین راستا نیز پلیس فتا رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار داد و ابتدا تیم رصد و پایش این پلیس مبدأ اصلی انتشار این ویدئو را شناسایی کردند. او با بیان اینکه در بررسی‌های انجام‌شده، مشخص شد این ویدئو از سوی یک سالن زیبایی ضبط و منتشر شده است، گفت: در ادامه با پیگیری‌ها و هماهنگی‌های انجام‌شده، مدیر سالن زیبایی که ویدئوی یادشده را تولید و منتشر کرده بود، به پلیس فتای تهران بزرگ احضار شد. معظمی‌گودرزی با بیان اینکه در جریان تحقیقات انجام‌شده، مشخص شد که موضوع ازدواج این کودک، سناریوی تبلیغاتی مدیر این آرایشگاه برای جذب مشتری و دنبال‌کننده در اینستاگرام بوده و به‌هیچ‌عنوان صحت ندارد، گفت: این زن پس از مواجهه با ماموران اعلام کرد که از عواقب کار خود بی‌اطلاع بوده و ضمن ابراز پشیمانی از عمل خود، گفت که دختربچه نوجوان فرزند یکی از مشتریان آرایشگاهش بود و چون قصد داشته اقدام به ایجاد تبلیغ در فضای مجازی کند، این کودک را به‌عنوان یک عروس معرفی و آرایش کرده است. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با بیان اینکه برای این خانم به دلیل سوءاستفاده از کودکان و… پرونده‌ای تشکیل شد، گفته: صفحه اینستاگرامی یادشده نیز با دستور قضائی از دسترس خارج و متهم نیز به همراه پرونده متشکله و برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادرسا شد. او ادامه داد: همچنین کارشناسان اداره مبارزه با جرائم علیه کودکان و بانوان پلیس فتا با والدین این کودک نیز ارتباط برقرار کرده و ضمن ارائه مشاوره‌های لازم به آنان تأکید کرد که صیانت از هویت و شخصیت فرزندان نیز بر عهده آنان بوده و بی‌توجهی و هرگونه آسیب به آن موجب مجازات قانونی است. معظمی‌گودرزی با هشدار به مردم و به‌ویژه کاربران فضای مجازی گفت: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک که کشور ما نیز به آن پیوسته، صراحتا هرگونه سوءاستفاده از کودکان و واردکردن آسیب جسمی و روحی به او را جرم‌انگاری کرده است. در همین راستا نیز پلیس فتا در عمل به قانون با چنین مواردی برخورد خواهد کرد؛ کمااینکه در گذشته نیز با موردی که پدري فرزندش را به بیان کلمات و انجام رفتارهای بزرگسالانه و حتی شرب خمر تشویق کرده و تصاویرش را در فضای مجازی منتشر کرده بود، برخورد کرد و در پرونده‌ای دیگر نیز با والدین نوجوانی که برای جذب دنبال‌کننده فرزند خود را به رفتارهای غیراخلاقی و بی‌احترامی به مقام مادر تشویق کرده بودند، برخورد شد. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ ادامه داد: بنابراین به افرادی که قصد دارند برای انجام تبلیغات، افزایش دنبال‌کننده یا هر موضوع دیگری اقدام به ساخت ویدئو یا انتشار تصاویر نامتعارف و نامناسب از کودکان کنند، هشدار می‌دهم که پلیس فتا با آنان برخورد خواهد کرد.

محمد پسری ۱۷ساله است که این روزها به اتهام قتل

در زندان به سر می‌برد و انتظار حکمش را می‌کشد. اما به‌راستی محمد کیست؟ چگونه زندگی کرده است؟ در چه شرایطی و در چه خانواده‌ای بزرگ شده است؟ آیا واقعا با نگاه به پرونده‌اش می‌توان او را شناخت؟ خواندن پرونده محمد برای شناخت و قضاوت درباره او کافی است؟ محمد کسر و لال است و نمی‌تواند خودش داستان زندگی اش را تعریف کند، برای همین مادرش داستان زندگی محمد را برای ما تعریف می‌کند.

محمد چهارمین فرزند خانواده است. دو خواهر و یک برادر بزرگ‌تر دارد. از زمان کودکی پدر در کنارشان نبوده و نیست.

او در روستای نوروز در قندهار متولد شده است؛ در همان شهری که ملاعمر سکونت داشت و مشغول جنگ با نیروهای نظامی آمریکا بود.

شرایط زمان تولد محمد را تصور کنید.

معمولا دکترا بیشترین چیزی که به مادران باردار توصیه می‌کنند، داشتن آرامش و دوری از استرس است. حال شرایط مادر محمد را تصور کنید. منلظم‌ترین روزهای زندگی‌اش را می‌گذراند و شهر و روستایش در آتش جنگ به سر می‌برد. جنگ، پدیده‌ای سیاسی که حتی در تفریفش هم درگیری مسلحانه و خشونت مستتر است. حال، در زمان متولدشدن محمد، جنگی را تصور



عکس‌هایعکس‌گوشاپوشیدفاهی بهیران

روایتی از یک نوجوان که زیر حکم اعدام است

محمد حتی زبانی برای دفاع از خود ندارد

سیماسدر

کنید که به دلیل حضور ملاعمر شدت عملیات نظامی و بمباران‌ها به‌مراتب بیشتر شده است و دقیقا اوج بمباران و عملیات نظامی آمریکااست. بنا بر گزارش‌هایی که بعدا منتشر شد، نیروهای نظامی آمریکا تنها به شدت بمباران و عملیات‌های نظامی‌شان بسنده نکردند بلکه در بمب‌هایشان از اورانیوم ضعیف‌شده نیز استفاده می‌کردند.

ظاهرا هیچ‌یک از طرفین کمتر اهمیتی به تبعات این جنگ و بمباران‌های شدید و اورانیوم‌های ضعیف‌شده نمی‌داد. چه اهمیتی داشت که چند نفر کشته یا مجروح شوند؟ چه اهمیتی داشت که آن اورانیوم‌های ضعیف‌شده چه تأثیری بر جان و مال مردم بگذارد؟

مادر محمد می‌گوید بعد از اتمام بمباران تا ۱۲ سال هیچ گیاهی در روستایشان رشد نکرد و امکان کشاورزی به‌کلی در آن روستا از بین رفته بود. این ظاهرا کمترین تأثیر آن بمباران‌ها و اورانیوم‌ها بود. از آن جنگ و بمباران و عملیات‌های نظامی شدید در قندهار، بی‌گناه‌ترین فرد یعنی محمد تازه متولدشده بیشترین تأثیر را گرفت. محمد بر اثر اختلال ژنتیکی مادرزاد کر و لال به دنیا آمد.

مدتی بعد از به دنیا آمدن محمد، مادرش دست بچه‌هایش را می‌گیرد و به قصد مهاجرت از آن روستا می‌رود. با سختی بسیار زیادی قاچاقی از مرز عبور می‌کند و خودش را به ایران می‌رساند و ساکن پاکدشت می‌شود.

در طول این سال‌ها با چند خیر آشنا می‌شود که تصمیم می‌گیرند برای درمان شنوایی محمد اقدام کنند ولی با تشخیص اختلال ژنتیکی، امکان درمان شنوایی محمد هم از بین می‌رود؛ این اختلال ژنتیکی از تبعات همان جنگ و بمباران‌های شدید بود.

آتش آن جنگ نابرابر و ناعادلانه چنان مشکلی برای محمد به وجود آورد که حتی با پول و اشخاص خیرخواه هم حل‌شدنی نبود.

مشکلات جسمی محمد با متولدشدنش به وجود آمد و هرگز امکان رفعشان هم وجود نداشت و محکوم به پذیرش شرایطی شد که برایش مقدر نشده بود.

محمد با همان شرایط بزرگ می‌شود و یک کودک شش‌ساله می‌شود. کودکان شش‌ساله‌ای را که در اطرافتان می‌شناسید، تصور کنید. یک کودک شش‌ساله به چه فکر می‌کند؟ چه آرزوهایی دارد؟ چه می‌خواهد؟ خیلی‌هایشان پیش‌دستانی می‌روند و خودشان را آماده ورود به مدرسه می‌کنند؛ اما برای محمد زندگی این‌گونه پیش نمی‌رود. او زمانی که شش سال داشت، در یک روز معمولی از خانه بیرون می‌آید، با دیدن یک بادکنک‌فروش سر کوچه به سمت او می‌رود و برای خودش یک بادکنک می‌خرد. کوچه خلوت بوده و هیچ‌کس جز محمد آنجا نبوده است.

بادکنک‌فروش می‌رود و مردی به محمد نزدیک می‌شود و بر روی صورت و بدن محمد اسید می‌پاشد و فرار می‌کند. چه کسی و چگونه محمد را به بیمارستان می‌رساند، معلوم نیست، ولی مادر محمد می‌گوید وقتی به بیمارستان می‌رسد و محمد را می‌بیند، محمد هنوز بادکنکش را در دست داشته است و نخ بادکنک را در دستانش فشار می‌داد.

شاید محمد با نگه‌داشتن آن بادکنک می‌خواست با زبان بی‌زبانی بگوید هنوز کودکی بیش نیست و می‌خواهد کودکی کند، زندگی و این درد و رنج برایش زیاد است.

صورت و گردن محمد کاملا آسیب دیده و نیاز به عمل پیوند پوست داشت. بیمارستان طی چند عمل تلاش می‌کنند پوست را از زانو و کمر محمد به صورتش پیوند بزنند. هزینه‌های بیمارستان بسیار زیاد بوده ولی بیمارستان از خانواده محمد هزینه‌ای نمی‌گیرد و می‌گوید یک نفر همه هزینه‌ها را تقبل کرده است. مادر محمد حدس می‌زند کسی که اسید را پاشیده دچار عذاب وجدان شده و هزینه‌ها را پرداخت کرده است.

محمد بعد از فرایندهای درمانی که زمان زیادی طول می‌کشد، به خانه برمی‌گردد ولی زندگی‌اش دستخوش تغییراتی می‌شود. مدرسه نمی‌رود، با پسرهایی که از او بزرگ‌تر هستند رفاقت می‌کند و کارها و شیطنت‌های آنها را تقلید می‌کند و در همه کارها ولو زدوی همراهی‌شان می‌کند.

شروع عواقب شرایط تحمیل شده

یک بار به‌خاطر درددین یک تیرش دستگیر می‌شود ولی قاضی به دلیل کم‌سن‌وسال بودنش او را می‌بخشد و آزادش می‌کند. سال‌ها می‌گذرد و محمد به ۱۴سالگی می‌رسد. یکی از تفریحات دوستان محمد این بوده است که کنار جاده بایستند و پشت وانت‌های در حال عبور بپرند و تا مسیری را همراهش بروند. یک بار که پشت یک وانت می‌پرند، راننده

خبر

زنگ خطر بروز کبد چرب در جامعه

ایرنا: دبیر علمی چهل‌وبنجمین همایش سالانه جامعه جراحان ایران با هشدار نسبت به بروز کبد چرب در جامعه گفت: اکنون هیچ دارویی برای جلوگیری و کنترل این‌ عارضه کبدی در ایران و جهان وجود ندارد و داروها در قالب مکمل‌های دارویی یا گیاهی تجویز می‌شود. علی‌جعفریان افزود: شایع‌ترین علت نیاز به پیوند کبد در کشور، عارضه کبد چرب است و این مسئله کاملا به شیوه زندگی وابسته است. وی با بیان اینکه زندگی صنعتی باعث کمترشدن فعالیت فیزیکی می‌شود، اظهار کرد: رژیم غذایی که نامناسب می‌شود، افراد به طرف چاقی می‌روند و در نهایت کبد چرب بروز می‌کند و این اتفاق خیلی سریع جلو می‌رود. استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران با بیان اینکه در دنیا به‌خصوص کشورهای غربی و شرق آسیا شایع‌ترین علت کبد چرب، مصرف الکل و ابتلا به بیماری هپاتیت بوده است، افزود: در فهرست بیماران پیوندی کشور از سال ۱۳۸۰ تاکنون، اولین علت نارسایی کبد و نیاز به پیوند، عارضه کبد چرب ثبت شده است. فلوشیپ جراحی و پیوند کبد و مجاری صراوی گفت: درصد مصرف الکل در کشور ما زیاد نیست و حدود دونویم درصد بیماران کبدی به علت مصرف الکل پیوند کبد شدند و همچنین بیماری هپاتیت بی و سی به‌واسطه واکنش‌سین و دارو کنترل شده است، اما کبد چرب عارضه شایع و رتبه بالاتری محسوب می‌شود و بیماری‌های خودایمنی نیز از دیگر مواردی است که نیاز به پیوند را ایجاد می‌کند که به وراثت بستگی دارد. جعفریان با بیان اینکه گاهی ۱۰ تا ۱۵ سال طول می‌کشد که کبد فرد تخریب شود و این روند در هر فرد متفاوت است، افزود: تعداد قابل‌توجهی از موارد نیاز به پیوند کبد قابل‌پیشگیری است. رژیم غذایی ناسالم و فعالیت فیزیکی کم، شیوه مناسب زندگی نیست و خطر امراض قلب و عروق و کبد چرب را بالا می‌برد که عارضه بسیار خطرناکی است و روند ایجاد آن مزمن و طولانی خواهد بود. رئیس تیم پیوند کبد بیمارستان امام خمینی تهران با تأکید بر اینکه حدود نیمی از موارد ابتلا به کبد چرب به سمت تخریب بافت کبد و نارسایی آن خواهد رفت، گفت: از این میزان حدود ۱۰ درصد به پیوند کبد منجر می‌شود. دبیر علمی چهل‌وبنجمین کنگره سالانه جامعه جراحان که ۱۷ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در مرکز همایش‌های رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار می‌شود، گفت: کبد اندام مقاومی است و شاید سال‌های سال به سمت تخریب پیش نرود ولی فردی که کبد چرب دارد، در درازمدت در معرض تخریب کبد است و بالاقتن آرزیم‌های کبدی «علامت مهم و زنگ خطر» برای ایمن‌بیماری محسوب می‌شود.

این جراح پیوند کبد افزود: بالا رفتن آرزیم‌های کبد و طولانی شدن این وضعیت به سمت عارضه سیروز کبدی پیش می‌رود، ولی همه این موارد به پیوند نیاز ندارند بلکه حدود ۲۰ درصد موارد سیروز کبدی نیازمند پیوند خواهند شد. استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: با رژیم غذایی و کنترل وزن می‌توان این روند را متوقف کرد و حتی سلامت کبد را بازگرداند. چاقی در بچه‌ها شایع است و نباید اجازه داد فرزندان‌مان کم‌تحرک شوند. حتی در یک آپارتمان کوچک هم باید شرایط فعالیت فیزیکی فرزندان را فراهم کنیم. جعفریان اظهار کرد: اگر فرض کنیم جمعیت ۸۰ میلیونی کشور فقط ۱۰ درصد چاق باشند، چیزی حدود هشت میلیون نفر خواهد بود و اگر ۱۰ درصد این تعداد کبد چرب داشته باشند و به پیوند برسند، رقمی حدود ۸۰۰ هزار نفر خواهد بود که این رقم بسیار بزرگ است و در مقایسه با تعداد کل یک سال پیوند کبد در ایران که حدود هزار مورد است، رقم بالایی است؛ اگر ظرفیت‌های موارد مرگ مغزی را به حداکثر استفاده ممکن برسانیم شاید این رقم به دو هزار مورد پیوند کبد در سال برسد.